

Explanation of the competence and effectiveness components of new teachers: Except the Skill Learners 28

Marzban Adib Manesh*¹ 

1. Corresponding author, Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. E-mail: marzbaneadib@cfu.ac.ir.

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received: 2023/09/23
Reviewed: 2024/01/06
Accepted: 2024/08/02
Published Online:
2024/11/05
Pages: 183-203

Keywords:
Competency,
new teacher,
teacher training,
The effectiveness of
teacher training

Background and Objectives: This research was conducted using a combined sequential exploratory method, with the qualitative part based on the phenomenological method and the quantitative part using the descriptive-survey method. **Methods:** This research was conducted in a combined and sequential exploratory method, in which the qualitative part of the phenomenological method and the quantitative part of the descriptive-survey method were used. The qualitative sample consisted of 10 professors from Farhangian University, selected purposefully. Semi-structured interviews were used to collect data. The statistical sample of the quantitative part consisted of 200 graduates of the undergraduate courses of Farhangian University and educators of the Literacy Movement, who were randomly selected in a cluster. **Findings and Conclusion:** The qualitative results highlighted that experts emphasized the need for students from other entrances to pay attention to their audience and audience knowledge. They have the knowledge, attitude, skills and desirable personality traits to enter the teaching profession.

Cite this Article: Adib Manesh, M. (2024). Explanation of the competence and effectiveness components of new teachers: Except the Skill Learners 28. *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 10(18), 183-203. <https://doi.org/10.48310/itt.2024.15054.804>



© the authors
Publisher: Farhangian University





تبیین مؤلفه‌های شایستگی و اثربخشی نومعلمان: غیر از ماده ۲۸

مرزبان ادیب منش^{۱*}

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: marzbaneadib@cfu.ac.ir

چکیده

نوع مقاله: پژوهشی

پیشینه و اهداف: پژوهش حاضر، با هدف تبیین مؤلفه‌ها شایستگی و اثربخشی حرفه‌ای دانش‌آموختگان دوره‌های کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان با سایر ورودی‌های وزارت آموزش و پرورش انجام شده است. **روش‌ها:** این پژوهش به روش ترکیبی و از نوع اکتشافی متوالی انجام گرفت که در بخش کیفی از روش پدیدارشناسی و در بخش کمی از روش توصیفی - پیمایشی بهره گرفته شده است. نمونه بخش کیفی شامل ۱۰ نفر از اساتید دانشگاه فرهنگیان بودند که به صورت هدفمند، انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از ابزار مصاحبه نیمه ساختار استفاده شد. نمونه آماری بخش کمی، شامل ۲۰۰ نفر از دانش‌آموختگان دوره‌های کارشناسی دانشگاه فرهنگیان و آموزشیاران نهضت سوادآموزی بود که به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند ابزار گردآوری این بخش، پرسش‌نامه محقق ساخته بود که از داده‌های کیفی برای ساخت آن استفاده گردید. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** در خصوص نتایج بخش کیفی، تنها نکته قابل تأمل در اظهارات صاحب‌نظران، ملاحظه‌ای است که مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها لازم است در توجه به مخاطب و مخاطب‌شناسی داشته باشند در بخش کمی نتایج حاکی از آن بود که دانش‌آموختگان دوره کارشناسی دانشگاه فرهنگیان بیشتر از مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها، از دانش، نگرش، مهارت و ویژگی‌های شخصیتی مطلوب در راستای ورود به حرفه معلمی برخوردارند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۲

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵

شماره صفحات: ۲۰۳-۱۸۳

واژه‌های کلیدی:

شایستگی،

نومعلم،

تربیت معلم،

اثربخشی تربیت معلم

Homepage: <https://itt.cfu.ac.ir/>



استناد به این مقاله: ادیب منش، مرزبان. (۱۴۰۳). تبیین مؤلفه‌های شایستگی و اثربخشی نومعلمان: غیر از ماده ۲۸. *نظریه و عمل*

در تربیت معلمان، ۱۰(۱۸)، ۲۰۳-۱۸۳. <https://doi.org/10.48310/itt.2024.15054.804>

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه فرهنگیان



مقدمه

موفقیت و عدم موفقیت در ایجاد تحول در نظام‌های آموزشی، منوط به توانمندی‌ها و قابلیت‌های حرفه‌ای معلمان است که مجریان اصلی برنامه‌ها در محیط واقعی هستند (Salmileh, 2017). معلم به عنوان برنامه‌ریز نظام تعلیم و تربیت هر کشوری است و با تلاش و کوشش او است که اهداف و برنامه‌های نظام آموزشی کشور امکان‌پذیر می‌شود. هر آنچه فراگیران در مدرسه کسب می‌کنند، برگرفته از ویژگی‌ها، کیفیات و مجموعه‌ای از شایستگی‌های اخلاقی، فرهنگی، دینی، اجتماعی و علمی و معنوی معلمان است. از این رو، سرمایه‌گذاری در بخش تربیت معلم بی‌شتر از هر چیز دیگری می‌تواند عملکرد علمی و عملی دانش‌آموزان را توسعه دهد (الماسی، ۱۳۹۶). این امر در قالب رویکردی با عنوان دانشگاه فرهنگیان صورت اجرایی به خود گرفته است؛ بنابراین، بر اساس اسناد نظام آموزش و پرورش، دانشگاه فرهنگیان رسالت آموزش و آماده‌سازی معلمان برای سیستم آموزشی را بر عهده دارد (خروشی، ۱۳۹۵)؛ اما بنا به دلایلی، دانشگاه فرهنگیان در شرایط فعلی نمی‌تواند همه نیازهای آموزشی در این زمینه را برآورده نماید و برای جبران این کمبود و پاسخگویی به نیازهای آموزشی جامعه و به منظور تأمین معلمان مورد نیاز نظام آموزش و پرورش جامعه، نظام آموزش و پرورش ناگزیر به متوسل شدن به قوانین و مقرراتی است که در این زمینه پیش‌بینی شده است. از جمله این موارد می‌توان به پذیرش داوطلبین معلمی از طریق معلمان حق التدریس و آموز شیاریان نهضت سوادآموزی طبق قانون الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس و آموز شیاریان نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۷) اشاره نمود که آماده سازی آن‌ها برای ورود به حرفه معلمی نیز در طی دوره یک ساله توسط دانشگاه فرهنگیان انجام می‌پذیرد.

نظام آموزش و پرورش برای برخورداری از کیفیت بهتر بیش از هر چیز نیاز به معلمانی دارد که از ویژگی‌ها، شایستگی‌ها و قابلیت‌های مناسب برخوردار باشد (آقاخانی و همکاران، ۱۳۹۹)؛ لذا تلاش برای بهبود تعلیم و تربیت از طریق بهبود شایستگی‌های عمل حرفه‌ای معلمان در موقعیت مدرسه، توسط دانشگاه فرهنگیان، موضوعی تردیدناپذیر است. با وجود این، بر سر این موضوع که چگونه می‌توان به تربیت معلمان واجد شایستگی‌های حرفه‌ای اقدام کرد، اختلاف نظر وجود دارد (صفرنواده و همکاران، ۱۳۹۸).

به هر حال، شایستگی هر نظام آموزشی به اندازه شایستگی معلمان آن نظام و کیفیت نظام آموزشی به کیفیت معلمان آن جامعه وابسته است (آقاخانی و همکاران، ۱۳۹۹)؛ با این شرایط گزینش معلم با شیوه‌های مختلف، لزوم ارتقای حرفه‌ای معلمان بیش از پیش احساس می‌شود. به طور کلی، موضوع ارتقای حرفه‌ای معلمان با مطرح شدن بحث اصلاحات در نظام‌های آموزشی پدیدار شده است، چه، معلمان در اجرای اصلاحات آموزشی نقش مهمی بر عهده دارند (شاه محمدی، ۱۳۹۲). ارزشیابی‌ها نشان داده که توجه به آموزش حرفه‌ای معلمان در ایران یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است (Spinoza, 2019).

براین اساس، یکی از مشکلات اساسی در پذیرش معلم، انتخاب برخی از داوطلبان برای ورود به حرفه معلمی است که از قابلیت‌های حرفه‌ای لازم و ویژگی‌های جسمانی و شخصیتی مناسب برای احراز شغل معلمی برخوردار نیستند که این مسئله به شیوه‌های جذب و گزینش معلم برمی‌گردد و آن می‌تواند علاوه بر وارد نمودن آسیب‌های روانی به خود داوطلبان، خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر نظام آموزش و پرورش کشور وارد نماید.

بنابراین، حصول اطمینان از اثربخشی فرایند آموزش و دروس ارائه شده در طول دوره کارشناسی پیوسته و مهارت‌آموزی نهضت سوادآموزی و حق التدریس مستلزم ارزشیابی و دریافت بازخورد و اصلاح و تعدیل برنامه‌ها، در صورت لزوم، است. در همین راستا لازم است صلاحیت حرفه‌ای، موفقیت‌ها و مشکلات دانش‌آموختگان در فرآیند فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مورد ارزیابی قرار گرفته تا از طریق تأمین بازخورد علمی نسبت به بازنگری در محتواها و فرایندها در آموزش دانشجو معلمان اقدام گردد.

انجام این پژوهش می‌تواند به رفع مناقشاتی که در زمینه اثربخشی حرفه‌ای معلمان وارد شده در نظام آموزش و پرورش

از طریق دانشگاه فرهنگیان و گزینش از آزمون‌های استخدامی در بین متولیان و صاحب‌نظران امر وجود دارد بینجامد. همچنین افق‌های جدیدی را در راستای گزینش معلمان در برابر متولیان آموزش و پرورش بگشاید و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش را به تدوین برنامه‌ها و راهبردهایی در جهت معیارهای مقبول و مناسب برای جذب داوطلبین معلمی رهنمون سازد. با تعیین میزان اثربخشی هر یک از گروه معلمان مذکور در حیطه‌های دانش، نگرش و مهارت و بعد شخصیتی، می‌توان به نگاهی جامع در خصیصه معلمان اثربخش نائل آمد.

با احتساب این اهمیت، مسئله اساسی در پژوهش حاضر این است که دانش‌آموختگان دوره‌های کارشناسی پیوسته و نیز آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس که به مهارت‌آموزی در دانشگاه فرهنگیان پرداختند از چه صلاحیت و اثربخشی حرفه‌ای باید برخوردار باشند، بنابراین تبیین مؤلفه‌های صلاحیت و اثربخشی حرفه‌ای دانش‌آموختگان دوره‌های کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان و سایر ورودی‌های وزارت آموزش و پرورش به‌غیر از ماده ۲۸ از دیدگاه صاحب‌نظران، هدف اصلی و اساسی است که در این مطالعه سعی خواهد شد به آن پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

آفاخانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «مقایسه معلمی کردن نومعلمان مدارس ابتدایی: آیا نوع دانشگاه محل تحصیل مهم است؟» به بررسی مقایسه معلمی کردن سه گروه از نومعلمان مدارس ابتدایی شهرستان مراغه که از سه طریق تحصیل در دانشگاه فرهنگیان، استخدام پیمانی و حق‌التدریسی وارد خدمت شده بودند پرداختند. روش پژوهش، کمی و از نوع پیمایشی بود. نتایج نشان داد که معلمی کردن نومعلمان وارد شده با شیوه‌های متفاوت به مدارس ابتدایی، فاقد تفاوت معنی‌دار بوده است؛ یعنی نومعلمانی که دوره چهارساله یا یک‌ساله تربیت‌معلم را سپری کرده‌اند همانند معلمانی معلمی می‌کنند که دوره‌های رسمی تربیت‌معلم را سپری نکرده‌اند.

Karimi و همکاران (2018) پژوهشی با عنوان «مشکلات عملکرد حرفه‌ای آموزگاران دانش‌آموخته دانشگاه فرهنگیان» انجام دادند. نتایج پژوهش، نشان داد که مهم‌ترین مشکلات ادراک‌شده توسط مشارکت‌کنندگان در فرایند عملکرد حرفه‌ای عمدتاً در مدیریت و اداره کلاس، تدریس کلاس چندپایه و پایه اول، آموزش‌های تخصصی و تعامل مؤثر با همکاران و اولیای دانش‌آموزان بوده است. منشأ این مشکلات از نظر مشارکت‌کنندگان عدم ارائه برخی عناوین درسی کاربردی، عدم مطابقت محتواهای آموزشی با واقعیت‌های موجود در مدارس، ضعف تدریس برخی اساتید، عدم ارتباط برخی از دروس ارائه‌شده با رشته دانشگاهی و مشکلات موجود در ارائه کارورزی در دانشگاه بوده است.

Spinoza (2019) پژوهشی با عنوان «رضایت دانش‌آموختگان از برنامه آموزش معلمان شیلی» انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که فارغ‌التحصیلان از تمام جنبه‌های آموزش خود راضی بودند و اعتبار دانشگاه ارتباط مستقیمی با رضایت آن‌ها ندارد. در عوض انتظارات و اشتغال‌زایی، تأثیر اعتبار را تعدیل می‌کند. در مجموع، میزان رضایت دانش‌آموختگان بسیار خوب توصیف شد و دانشگاه‌ها از همه نظر از آمادگی کافی برای آموزش و تدریس موفق برخوردار هستند.

پژوهش‌های انجام شده بیشتر در مورد اثربخشی معلمان جذب‌شده از مراکز تربیت‌معلم و قابلیت‌های حرفه‌ای معلمان و اخلاق حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای و کیفیت آموزشی معلمان فارغ‌التحصیل دانشگاه فرهنگیان و سایر و بیشتر در خصوص قابلیت‌های و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان صحبت کرده‌اند. در این پژوهش به کیفیت عملکرد آموزشی معلمان فارغ‌التحصیل از دانشگاه فرهنگیان و سایر ورودی‌های آموزش و پرورش به‌غیر از ماده ۲۸ پرداخته است.

روش

این پژوهش، به روش ترکیبی (کیفی - کمی) و از نوع اکتشافی متوالی انجام شده است. در بخش کیفی از روش پدیدارشناسی و در بخش کمی از روش توصیفی - پیمایشی بهره گرفته شده است. در این راستا، از روش کیفی به‌منظور شناسایی مؤلفه‌های صلاحیت و اثربخشی حرفه‌ای معلمان از نظر صاحب‌نظران و از روش کمی به‌منظور

جمع‌آوری داده‌ها در زمینه وضعیت این مؤلفه‌ها در دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان و نیز معلمانی که از طریق آموزش‌شیاری نهضت سوادآموزی و حق‌التدریسی و پس از یک سال مهارت‌آموزی در دانشگاه فرهنگیان وارد حرفه معلمی شده‌اند استفاده شد. در بخش کیفی از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد: این سؤالات در قالب فرم مصاحبه به پاسخ‌دهندگان داده شد و نظرات آن‌ها در زمینه صلاحیت‌های (دانش، نگرش و مهارت) موردنیاز برای ورود به حرفه معلمی موردبررسی قرار گرفت، جهت اعتباریابی داده‌های کیفی، از معیار قابلیت اعتماد استفاده شد. Lincoln and Guba (1985) از مفهوم قابلیت اعتماد برای جایگزینی روایی و پایایی پژوهش‌های کیفی استفاده کرده‌اند که شامل چهار معیار است. قابلیت اعتبار (قابل قبول بودن) که جایگزینی برای مفهوم کمی روایی درونی است؛ قابلیت انتقال (انتقال‌پذیری) که جایگزینی برای مفهوم کمی روایی بیرونی است؛ قابلیت تأیید (بی‌طرفی) که جایگزینی برای مفهوم کمی عینیت است و قابلیت اطمینان (سازگاری) که جایگزینی برای مفهوم کمی پایایی است.

جهت مصاحبه با صاحب‌نظران در حوزه دانشگاه فرهنگیان از روش نمونه‌گیری هدفمند (موارد مطلوب) استفاده شد (Gal et al., 2022). در این راستا گروه اطلاع‌رسانی پژوهش، متخصصان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان کشور بودند. این شرکت‌کنندگان از افرادی انتخاب شدند که دارای سوابق مدیریتی و اجرایی و از تألیفات قابل توجه در حوزه تربیت معلم و دانشگاه فرهنگیان بودند. در این راستا مصاحبه‌ها تا اشباع نظری در داده‌ها ادامه یافت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در بخش کیفی از مصاحبه از روش تحلیل محتوا (مقوله‌بندی و کدگذاری) استفاده شد. مقوله‌بندی عبارت است از: عمل طبقه‌بندی عناصر تشکیل‌دهنده یک مجموعه (محتوای متن مصاحبه) به وسیله تمایز و گروه‌بندی بر اساس شباهت و ملاک‌های از قبل تعیین شده (Sarmad et al., 2013). تک‌تک متن مصاحبه‌های ضبط‌شده بر روی کاغذ پیاده و تغییرات جزئی در جمله‌بندی آن‌ها اعمال شد. به این صورت که پاسخ هر یک از سؤالات به‌دقت مطالعه و برای هر موردی که از سوی مصاحبه‌شوندگان مطرح می‌شود، یک مقوله جدید ایجاد می‌گردد. در ادامه، در صورتی که بعضی از مصاحبه‌شوندگان بر نکات قبلاً ارائه شده، تأکید بنمایند به درصد پاسخگویان آن مقوله اضافه می‌شود و در صورت وجود موارد جدید، برای هر یک از آن‌ها، مقوله جدیدی اختصاص می‌یابد. پس از مقوله‌بندی اولیه، مجدداً، پاسخ‌های مربوط به هر سؤال مطالعه و نکات ارزشمندی که در راستای هر یک از مقولات بوده، به‌صورت نقل‌قول مستقیم آورده می‌شود. برای رعایت اصل محرمانه‌ماندن، مصاحبه‌شوندگان کدگذاری می‌شوند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری موضوعی استفاده شد. بدین ترتیب متن مصاحبه‌ها کامل ضبط گردید، پس از ضبط، مصاحبه‌ها بر روی کاغذ نوشته شد تا کدگذاری داده‌ها بهتر انجام شود، سپس سطر به سطر واکاوی شد و مفاهیم اصلی به‌صورت کد استخراج شد، پس از استخراج کدهای اولیه، محقق کدهای مشابه با یکدیگر را ادغام و آن‌ها را در گروهی قرار داد و برای هر طبقه نامی که معرف کدهای قرار گرفته شده در آن طبقه بود را انتخاب نمود، بدین ترتیب با تشکیل طبقه‌بندی، مقوله‌های اصلی استخراج شد. برای اطمینان از صحت و پایایی تحقیق، متن مصاحبه‌ها و مفاهیم استخراج‌شده از آن‌ها به شرکت‌کنندگان بازگردانده شد و موردبازنگری قرار گرفته و سپس تأیید گردیدند. در بخش کمی از ابزار پرسش‌نامه که از داده‌های حاصل از تحلیل محتوای کیفی بر روی مصاحبه‌ها به دست آمد، بهره گرفته شد. حجم جامعه در این بخش شامل، دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان، و نیز مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) در سال ۱۴۰۱ بودند که در این بین، از هر گروه یک‌صد نفر انتخاب گردید. باتوجه به اینکه این دانش‌آموختگان و مهارت‌آموزان عمدتاً در مدارس ابتدایی مشغول فعالیت خواهند شد و با احتمال اینکه دانش‌آموزان ابتدایی به‌طور مناسب قادر به پاسخگویی به سؤالات پرسش‌نامه و ارزیابی معلمان خود نخواهند بود، بنابراین، این پرسش‌نامه به‌صورت خودسنجی تدوین شده و در بین گروه‌های هدف در تحقیق توزیع گردید. در این بخش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی و...) و از آزمون‌های آماری استنباطی به‌مانند آزمون‌های t تک نمونه، t مستقل، و... بهره گرفته شد.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان (بخش کیفی)

ردیف	جنس	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	رتبه علمی	محل اشتغال	سابقه
۱	مرد	دکتری تخصصی	برنامه‌ریزی درسی	استادیار	دانشگاه فرهنگیان	۳۲
۲	زن	دکتری تخصصی	برنامه‌ریزی درسی	استادیار	دانشگاه فرهنگیان	۷
۳	مرد	دکتری تخصصی	روان‌شناسی تربیتی	دانشیار	دانشگاه فرهنگیان	۲۱
۴	زن	دکتری تخصصی	برنامه‌ریزی درسی	استادیار	دانشگاه فرهنگیان	۱۰
۵	مرد	دکتری تخصصی	فلسفه تعلیم و تربیت	استادیار	دانشگاه فرهنگیان	۶
۶	زن	دکتری تخصصی	مدیریت آموزشی	استادیار	دانشگاه فرهنگیان	۵
۷	مرد	دکتری تخصصی	تکنولوژی آموزشی	استادیار	دانشگاه فرهنگیان	۳
۸	زن	دکتری تخصصی	فلسفه تعلیم و تربیت	استادیار	دانشگاه فرهنگیان	۳۰
۹	مرد	دکتری تخصصی	برنامه‌ریزی درسی	استادیار	دانشگاه فرهنگیان	۲
۱۰	زن	دکتری تخصصی	مدیریت آموزشی	مربی	دانشگاه فرهنگیان	۳۱

جدول ۲. مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه آماری در بخش کمی

نمونه	تعداد	سابقه اشتغال	رشته تدریس
دانشجومعلمیان	۱۰۰	۱ سال	آموزش ابتدایی، راهنمایی و مشاوره، امور تربیتی، مطالعات اجتماعی
آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس	۱۰۰	۱ سال	آموزش ابتدایی، رشته‌های دبیری.

یافته‌ها

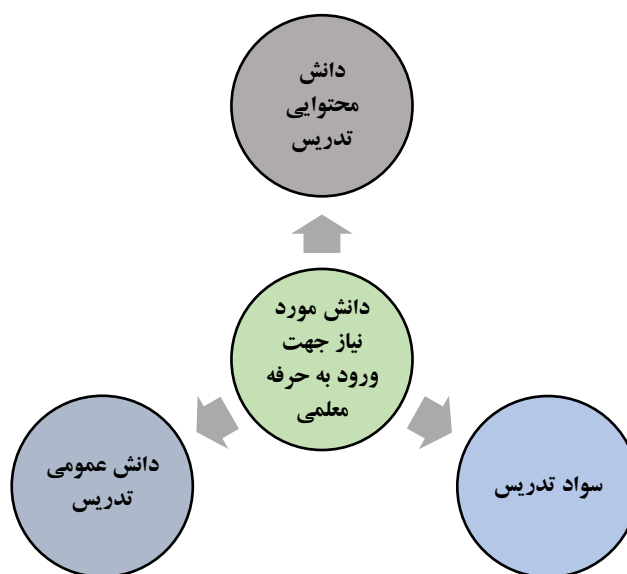
در این بخش، با استفاده از تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌های انجام شده، کدها و سپس مقوله‌ها استخراج شدند. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها، نشان داد که از نظر صاحب‌نظران در زمینه دانشی، نگرشی، مهارتی و شخصیتی تفاوتی بین دانش‌آموختگان کارشناسی دانشگاه فرهنگیان و مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) جهت ورود به حرفه معلمی وجود ندارد. به عبارتی، مستلزمات و پیش‌نیازهای ورود به حرفه معلمی یکسان است تنها نکته قابل تأمل در اظهارات صاحب‌نظران، ملاحظه‌ای است که مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) لازم است در توجه به مخاطب و مخاطب‌شناسی داشته باشند و تمایزی را که باید این گروه از داوطلبین ورود به حرفه معلمی در زمینه پداگوژی و تفاوت آن با آندراگوژی ایجاد نمایند که آن‌ها تاکنون با این فراگیران بزرگ‌سال سروکار داشته‌اند. فرایند یاددهی یادگیری دانش‌آموزان بسیار متفاوت از بزرگ‌سالان است.

بنابراین با نظر به یکپارچه‌بودن نیازمندی‌های ورود به حرفه معلمی، نتایج تحلیل مصاحبه‌ها در دو گروه دانش‌آموختگان کارشناسی دانشگاه فرهنگیان و مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) با هم ارائه می‌گردد.

۱- دانش‌آموختگان دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان و مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) از نظر دانش موردنیاز جهت ورود به حرفه معلمی، باید از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشند؟

پس از پیاده‌سازی متن ۱۰ مصاحبه، جملات معنی‌دار در تک‌تک مصاحبه‌ها مشخص گردید و ۷۲ گزاره یا کد استخراج شد. پس از انجام تحلیل محتوا بر روی گزاره‌های به‌دست‌آمده، در مرحله دوم ۴۷ و در مرحله سوم ۳۱ گزاره حاصل شد و براین اساس، یازده خرده مقوله و ۳ مقوله و محور اصلی به‌عنوان ویژگی‌های دانشی موردنیاز برای ورود به حرفه معلمی شناسایی گردید. در ادامه مقوله‌های استخراج‌شده به همراه نمونه‌ای از کدها ارائه شده است (شکل ۱ و جدول ۳)

شکل ۱. دانش موردنیاز جهت ورود به حرفه معلمی



جدول ۳. دانش موردنیاز جهت ورود به حرفه معلمی

ردیف	مقوله	خرده مقوله	نمونه‌ای از کدها
۱	دانش محتوایی تدریس	دانش تخصصی موضوعی	آگاهی از اصطلاحات تخصصی
			آگاهی از ساختار مفهومی حوزه
		دانش دست‌اول و به‌روز	دانش از ارتباط بین موضوعات
			آگاهی از علوم روز دنیا
۲	سواد تدریس	دانش از فراگیران	همراهی با تحولات علوم
			تغییر محتوا متناسب با تحولات علمی
		دانش تدریس	دانش از استعداد فراگیران
			دانش از علاقه فراگیران
۳	دانش عمومی تدریس	دانش استفاده از ابزار و تجهیزات فناورانه	دانش از قابلیت‌های فراگیران
			دانش طراحی درس
		دانش از تربیت اقتصادی و حرفه‌ای	دانش ارائه درس
			دانش ارزشیابی
		دانش تربیت اقتصادی و حرفه‌ای	روابط انسانی مناسب با فراگیران
			رعایت اصل اخلاق در تدریس
		دانش در تربیت سیاسی	دانش عملی
			دانش کارگاهی
		دانش تربیت سیاسی	بهره‌گیری از فناوری آموزشی
			تدریس در راستای تربیت شغلی
			آگاهی از نیازمندی بازار کار
			تدریس با تمرکز بر استخدام پذیری
			بهره‌گیری بهینه از منابع ملی
			ارتقای بینش سیاسی
			ارزش‌گذاری به برابری افراد
			ارزش‌دهی به مشارکت در تعیین سرنوشت

ردیف	مقوله	خرده مقوله	نمونه‌ای از کدها
			توجه به نیازهای جسمی و پرورش آن
		دانش از تربیت زیستی و بدنی	توجه به بهداشت فردی و جمعی
			حفاظت از محیط زیست
		دانش از تربیت زیبایی‌شناختی و هنری	رشد آگاهی از زیبایی جهان‌آفرینش
			لرزم توجه به زیبایی معنوی
			پرورش قدرت تخیل
		دانش فرهنگی و اجتماعی	احترام به فرهنگ‌های مختلف
			احترام به آداب و رسوم و ارزش‌ها
			ارزش‌گذاری به نهاد خانواده

ازجمله ویژگی موردنیاز جهت ورود داوطلبان به حرفه معلمی، دانش نومعلمان است. در این زمینه، به ۳ مقوله کلی دانش محتوایی تدریس، سواد تدریس، و دانش عمومی تدریس اشاره شده است که در زیر به توصیف آن‌ها پرداخته خواهد شد.

دانش محتوایی تدریس

ازجمله دانش‌های موردنیاز جهت ورود به حرفه معلمی از دیدگاه صاحب‌نظران، دانش محتوایی تدریس شناخته شده است. ساختار مفهومی حوزه و آگاهی از اصطلاحات تخصصی آن حوزه و به‌روزکردن دانش خود باتوجه به تغییرات شتابان دانش، برای یک معلم در تدریس، بسیار ضروری می‌نماید. به‌عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۸، بیان نمود:

به نظر می‌رسد یک داوطلب ورود به حرفه معلمی از نظر دانش و آگاهی به علوم روز دنیا بایستی در سطح بالایی قرار داشته باشد به‌گونه‌ای که در کلاس‌های درس جهت پاسخ به سؤالات احتمالی دانش‌آموزان و یا در صورت نیاز پاسخ به سؤالات والدین با مشکل و چالش جدی مواجه نشوند. البته معلمان نباید خود را بی‌نیاز از مطالعه جهت تسلط به دانش روز دنیا بدانند.

به باور مصاحبه‌شونده شماره ۲، نومعلمان باید به دانش تخصصی و حوزه‌های موضوعی اشراف کافی داشته باشند.

سواد تدریس

یکی دیگر از دانش‌های موردنیاز جهت ورود به حرفه معلمی از دیدگاه صاحب‌نظران، سواد تدریس شناخته شده است. علاوه بر دانش تخصصی در رشته تحصیلی، نومعلمان نیازمند داشتن احاطه کافی به دانش تدریس هم هستند. به‌عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۳ اعتقاد داشت:

افراد داوطلب برای معلمی، علاوه بر دانش تخصصی رشته‌های مورد تحصیل، به دانش تربیتی و پرورشی و همچنین دانش عملی، کارگاهی و آزمایشگاهی حرفه معلمی نیاز دارند. به همین دلیل واحدهای درسی متفاوتی نسبت به سایر دانشجویان در دانشگاه‌های دیگر در قالب واحدهای درسی موضوعی CK، موضوعی - تربیتی PCK و... دارند که دانش موردنیاز آن‌ها را فراهم می‌آورد.

به باور مصاحبه‌شونده شماره ۴، نومعلمان جهت ارتقای اثربخشی تدریس خود، لازم است فراگیران خود را بشناسند و مخاطب‌شناسی در درجه نخست اهمیت قرار دارد. به عقیده وی، اینکه دانش‌آموزان با چه علاقه، استعداد و نیازها و قابلیت‌هایی در سر کلاس درس حضور دارند بسیار حیاتی است و تدریس معلم را می‌تواند جهت دهد.

دانش عمومی تدریس

یکی دیگر از دانش‌های موردنیاز برای نومعلمان، از نظر صاحب‌نظران، دانش عمومی تدریس است. نومعلمان نیازمند به آگاهی کافی از دانش میان‌رشته‌ای و برخی دانش‌ها که نیاز زندگی جمعی است و یا به دانش فرهنگی مرتبط است هستند (مصاحبه‌شونده شماره ۸).

به‌زعم مصاحبه‌شونده شماره ۵، نومعلم‌ان لازم است از ساحت‌های تربیتی آگاهی کافی داشته باشند و از دانش اجتماعی، زیستی، زیبایی‌شناختی، سیاسی و اقتصادی در تدریس خود بهره گیرند. به نظر وی، این ساحت‌های تربیتی لازمه کار معلمی است.

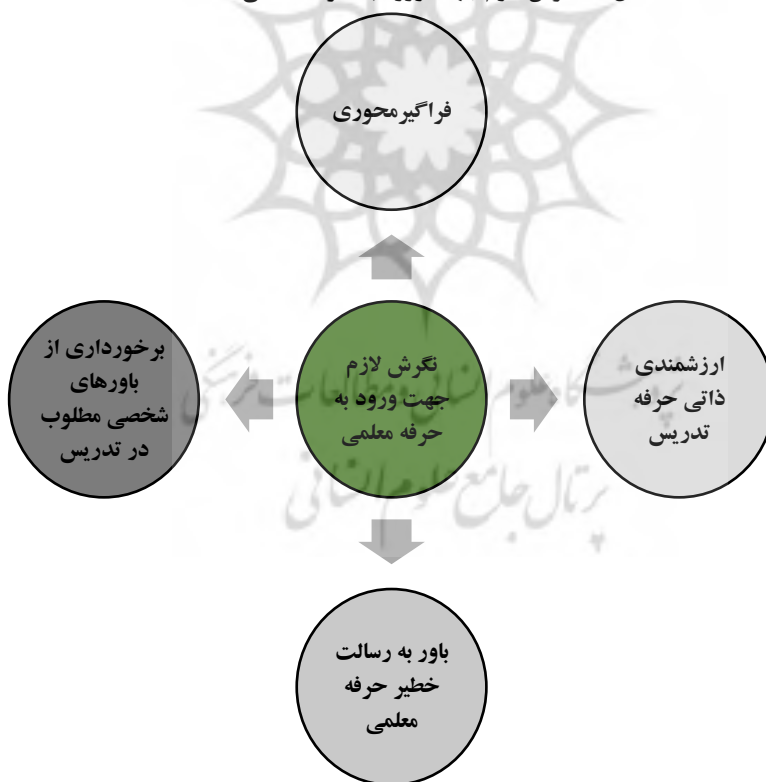
در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ نیز بیان نمود:

نومعلم‌ان باید مطالعات جامعی در حوزه‌های به‌غیراز حوزه مورد تدریس خود داشته باشند و تدریس خود را با موضوعات مرتبط به محتوای تدریس خود پیوند بزنند. آن‌ها باید آگاهی‌ها، ایدئولوژی و بینش خود از امور دینی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را ارتقا دهند. یک معلم کامل، معلمی است که با تسلط بر دانش این موضوعات، به تدریس محتوای تخصصی بپردازد.

دانش‌آموختگان دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان و مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) از نظر نگرش موردنیاز جهت ورود به حرفه معلمی، باید از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشند؟

پس از پیاده‌سازی متن ۱۰ مصاحبه، جملات معنی‌دار در تک‌تک مصاحبه‌ها مشخص گردید و ۷۰ گزاره یا کد استخراج شد. پس از انجام تحلیل محتوا بر روی گزاره‌های به‌دست‌آمده، در مرحله دوم ۴۹ و در مرحله سوم ۳۵ گزاره حاصل شد و براین‌اساس، ۱۲ خرده مقوله و ۴ مقوله و محور اصلی به‌عنوان ویژگی‌های نگرشی موردنیاز برای ورود به حرفه معلمی شناسایی گردید. در ادامه مقوله‌های استخراج‌شده ارائه شده است (شکل ۲ و جدول ۴)

شکل ۲. نگرش لازم جهت ورود به حرفه معلمی



جدول ۴. نگرش لازم جهت ورود به حرفه معلمی

ردیف	مقوله	خرده مقوله	نمونه‌ای از کدها
۱	فراگیرمحوری	رابطه صمیمانه با دانش‌آموزان	عشق و علاقه به فراگیران محفوظ نگه‌داشتن مشخصات و اسرار دانش‌آموزان ارائه مشاوره به فراگیران در حوزه‌های درسی و خارج از مباحث درسی
		توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان	شناسایی علایق و نیازهای هر یک از فراگیران توجه به استعدادها و قابلیت‌های هر یک از فراگیران پرهیز از استانداردسازی و یکسان‌نگری در ارزشیابی
		تشویق و ترغیب به ابتکار و خلاقیت	اعطای آزادی و اختیار به فراگیران در اظهار نظرات خود تدارک کلاس درس پویا و فعال طرح مسئله بر مبنای نیازهای فراگیران
۲	ارزشمندی ذاتی حرفه تدریس	پایبندی به ارزش‌های تربیتی	رعایت اصول اخلاقی در تدریس اهتمام به رشد شخصیت کامل فراگیران توجه به امر تزکیه قبل از تعلیم
		توجه به معنویات در تدریس	تقدس امر تعلیم پیوند مباحث درس با معنویت شناخت فلسفه آفرینش به‌موازات ارائه مباحث درسی
		علاقه‌مندی به معلمی	عشق به حرفه تدریس مفرح انگاشتن حرفه معلمی مهم انگاشتن حرفه معلمی به‌عنوان یکی از مشاغل با اولویت بالا در هر زمان
۳	باور به رسالت خطیر حرفه معلمی بنا بر اهمیت آموزش و پرورش در رشد جامعه	پایبندی به اعتقادات و هنجارهای موردقبول جامعه	همسویی نگرش معلمان با فرهنگ جامعه همسویی نگرش معلمان با ارزش‌های پذیرفته‌شده توجه به اهمیت تعلیم و تربیت در تقویت ارزش‌های پسندیده
		محافظت از محیط آموزشی و محیط زیست	برخورداری از روحیه طبیعت دوستی و ترویج آن در فراگیران ترویج برخورد پسندیده با طبیعت در فراگیران اهتمام به تأثیر اجتناب‌ناپذیر محیط بر رشد و بهزیستی انسان
		تأکید بر اهمیت آموزش و پرورش در توسعه	رسالت اصیل معلمی در راستای نیازهای جامعه و پیشرفت کشور توجه به تعلیم و تربیت به‌منزله پرورش نسل آینده در مشاغل مختلف کشور اهتمام به نقش بااهمیت آموزش و پرورش در توسعه پایدار
۴	برخورداری از باورهای شخصی مطلوب در تدریس	عدم اعمال سلیقه شخصی یا غرض‌ورزی در فرایند تدریس	پرهیز از اعمال پیش‌فرض‌ها در ارزشیابی عدم سوگیری بر مبنای ویژگی‌های جمعیت‌شناختی فراگیران در اداره کلاس درس عدم تعمیم در ناتوانی فراگیران در درک یک مبحث در تصمیم‌گیری طراحی تدریس
		مثبت‌نگری	داشتن نگرش مثبت به تدریس خود داشتن نگرش مثبت به یادگیری فراگیران باور به همراه بودن مدیر و متولیان مدرسه در راستای ارتقای کیفیت تدریس
		ترجیح منافع عمومی به منافع شخصی	اولویت‌دادن علایق کلاس بر علایق شخصی تعدیل در انتظارات و باورهای خود در راستای بهبود یادگیری فراگیران همراهی و سازگاری قوانین شخصی با مقررات و قوانین مدرسه

از جمله ویژگی دیگر موردنیاز جهت ورود داوطلبان به حرفه معلمی، نگرش نومعلمان است. در این زمینه، چهار مقوله فراگیرمحوری، ارزشمندی ذاتی حرفه تدریس، باور به رسالت خطیر حرفه معلمی بنا بر اهمیت آموزش و پرورش در رشد جامعه و برخورداری از باورهای شخصی مطلوب در تدریس مورد شناسایی قرار گرفته است که در زیر به توصیف آن‌ها پرداخته می‌شود:

فراگیر محوری: فراگیر محوری به عنوان یکی از نگرش‌های مورد نیاز نومعلم برای ورود به معلمی است. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۵ بیان نمود:

لازم است یک فرد داوطلب برای معلمی، عشق به کودکان و نوجوانان این مرزوبوم را سرلوحه زندگی کاری خودش قرار دهد چراکه در غیر این حالت قطعاً نمی‌تواند در کلاس درس دانش، آگاهی و عشق به ممنوع و همدلی با مردم آن سرزمین را در وجود یک کودک و نوجوان رشد بدهد. همچنین وی نمی‌تواند مصداق خوبی برای انتقال فرهنگ‌ها، آداب و رسوم و باشد.

به زعم مصاحبه‌شونده شماره ۲ نیز توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان از سوی معلم بسیار حائز اهمیت است و نومعلم باید توجه داشته باشند که در کلاس آن‌ها افراد دارای استعداد و قابلیت‌ها و علایق خاص نشسته‌اند و همواره باید این باور را در خود نهادینه نمایند که هر زمینی را خاصیتی است.

از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۶، چنانچه نومعلم بتواند با دانش‌آموزان ارتباط نزدیک و صمیمانه برقرار نمایند خواهند توانست به تفاوت‌های فردی آن‌ها پی برده و بر اساس این تفاوت‌های میان دانش‌آموزان با اتخاذ تدابیری به پرورش خلاقیت در آن‌ها اقدام نمایند. به باور وی، رشد خلاقیت در فراگیران از پیامدهای نگرش رفاقت طلبانه معلمان با آن‌ها است.

به باور مصاحبه‌شونده شماره ۱ نیز مجبور نکردن دانش‌آموزان به کار خارج از وظیفه آموزشی و تحصیلی آنان و محفوظ نگه داشتن مشخصات و اسرار دانش‌آموزان از اهمیت بسیاری برخوردار است.

همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۷ اعتقاد داشت: این نگرش وابسته به «شخصیت» معلم است. معلمان اثربخش عواطف و احساساتشان را همراه با یک دل‌بستگی و علاقه واقعی نسبت به دانش‌آموزانشان تقسیم می‌کنند. (برای مثال: شور و شوق، عاطفه، بردباری، غم، عدم رضایت). همچنین «ارتباط» در کلاس‌های قبلی آن‌ها پرارزش بوده و احساسات در حضور جمع و آزادانه هم به وسیله معلم و هم به وسیله بچه‌ها ابراز می‌شود. یک معلم اثربخش نباید حالت مالکیت از بالا داشته باشد یا نیازمند کنترل کامل بچه‌ها و محیط باشد. مهم است که دانش‌آموزان هم مسئولیت و هم آزادی در داخل کلاس داشته باشند. هم معلمان و هم دانش‌آموزان برای پیشرفت یک ارتباط نزدیک و مقبول در محیط یادگیری به مشارکت دوطرفه نیاز دارند.

ارزشمندی ذاتی حرفه تدریس: یکی دیگر از نیازهای نگرش مورد نیاز نومعلم، ارزشمند بودن ذاتی حرفه تدریس است. عبادت دانستن تعلیم و تربیت به عنوان کار در راه خداوند متعال، از باورهای اساسی است که نومعلم باید به آن معتقد باشند. (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰) در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۳ بیان نمود:

معلمی شغل انبیاست. این نشان از تقدس این حرفه و ارزش و تکریم مقام معلمان است. آنچه بیش از هر چیز در امروز باید به آن توجه داشت و به رشد آن در نومعلمان پرداخت همین نکته است که این باور و نگرش از معنویت این حرفه را در آن‌ها پرورش داد.

مصاحبه‌شونده شماره ۴ نیز بیان نمود:

افراد داوطلب برای ورود به حرفه معلمی باید ذاتاً عشق به معلمی داشته باشند و عاشق این حرفه باشند. به باور وی، افرادی باید به حرفه معلمی وارد شوند که علاقه‌مند به تدریس و کار با فراگیران باشند و یکی از موارد مغفول در فرایند گزینش و جذب، نادیده گرفتن این علاقه است که بعداً باعث افسردگی شغلی در معلمان خواهد گردید.

باور به رسالت خطیر حرفه معلمی بنا بر اهمیت آموزش و پرورش در رشد جامعه: از دیگر جنبه‌های نگرشی مورد نیاز برای نومعلم، باور به رسالت خطیر حرفه معلمی بنا بر اهمیت آموزش و پرورش در رشد جامعه است. به عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۹ اعتقاد داشت:

نگرش داوطلبان ورود به حرفه معلمی باید همسو با فرهنگ جامعه و همگام و هم سو با ارزش‌های پذیرفته‌شده جامعه باشد. به شکل کلی می‌توانی بخشی از نگرش به حرفه معلمی را درونی و بخشی را برونی در نظر گرفت. بخش درونی

مرتبط به عشق و علاقه به تدریس و حرفه معلمی، و بخش برونی هم حس انجام مسئولیت و وظیفه در قبال نیازهای جامعه و پیشرفت کشور است.

همچنین مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۴ و ۱۰ به اهمیت واقف بودن نومعلمان از نقش خطیر خود در پیشبرد اهداف جامعه اذعان داشتند. از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۱۰، نقشی که برای آموزش و پرورش در تحقق توسعه پایدار در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ به تصویر درآمده است، تنها به دست معلمانی شایسته و باکفایت ممکن خواهد بود و این بیش از هر چیز به نقش حیاتی معلمان و به‌ویژه مأموریت‌های نومعلمان صحنه می‌گذارد.

برخورداری از باورهای شخصی مطلوب در تدریس: برخورداری از باورهای شخصی مطلوب در تدریس به‌عنوان یکی دیگر از نگرش‌های موردنیاز نومعلمان برای ورود به حرفه معلمی محسوب می‌شود. از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۹، این باورهای شخصی که نومعلمان باید داشته باشند از بسیاری جهات از شاخصه‌های دیگری که باید معلمان داشته باشند مهم‌تر است. به باور این صاحب‌نظر، این باورهای شخصی همچون ایدئولوژی‌هایی عمل می‌کنند که جهت‌دهنده کار نومعلمان بوده و در اتخاذ تصمیمات و راهبردهای مؤثر در تدریس به آن‌ها کمک می‌نماید.

ترجیح منافع عمومی به منافع شخصی، عدم اعمال سلیقه شخصی یا غرض‌ورزی در ارزشیابی دانش‌آموزان و برابر دانستن آنان از جمله باروهایی است که یک نومعلم باید از آن برخوردار باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۵).

دانش‌آموختگان دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان و مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) جهت ورود به حرفه معلمی باید از چه ویژگی‌های مهارتی برخوردار باشند؟

پس از پیاده‌سازی متن ۱۰ مصاحبه، جملات معنی‌دار در تک‌تک مصاحبه‌ها مشخص گردید و ۵۶ گزاره یا کد استخراج شد. پس از انجام تحلیل محتوا بر روی گزاره‌های به‌دست‌آمده، در مرحله دوم ۳۸ و در مرحله سوم ۲۳ گزاره حاصل شد و براین‌اساس، ۹ خرده‌مقوله و ۳ محور اصلی به‌عنوان ویژگی‌های مهارتی موردنیاز برای ورود به حرفه معلمی شناسایی گردید. در ادامه مقوله‌های استخراج‌شده ارائه شده است (شکل ۳ و جدول ۵)

شکل ۳. مهارت لازم جهت ورود به حرفه معلمی



جدول ۵. مهارت لازم جهت ورود به حرفه معلمی

ردیف	مقوله	خرده مقوله	نمونه‌ای از کدها
۱	مهارت ارائه درس	به‌کارگیری بهترین و متنوع‌ترین شیوه‌های تدریس	استفاده از ایده‌های دانش‌آموزان
			استفاده از رویکردهای نوین تدریس
			مهارت کار با ابزارهای موردنیاز تدریس
	مهارت فناوری اطلاعات و ارتباطات	مهارت فناوری اطلاعات و ارتباطات	استفاده از بازی در فرایند تدریس
			بهره‌گیری از ابزارهای فناورانه در ارائه درس
			برخورداری از سواد رسانه‌ای
	مدیریت زمان	مدیریت زمان	به‌روز نمودن مهارت‌ها در زمینه فناوریهای نوظهور
			استفاده بهینه از زمان در راستای ارائه اثربخش محتوای مورد تدریس
			تهیه برنامه منعطف و پیش‌بینی اتفاقات غیرمنتظره
	سازمان‌دهی و مدیریت یادگیری دانش‌آموزان	سازمان‌دهی و مدیریت یادگیری دانش‌آموزان	انتخاب هوشمندانه تکالیف و تمرینات
			حل مسائل و مشکلات تحصیلی
			ایجاد جو اعتماد متقابل و آرامش در کلاس
۲	مهارت اقدام‌پژوهی	مهارت پژوهشی	تدریس مبتنی بر پژوهش
			توجه به دانش موضوعی و روشی در پژوهش
			آموزش فرهنگ کاوشگری
	مهارت‌های روابط انسانی	مهارت‌های انگیزشی و روان‌شناختی	اقدام مبتنی بر عمل فکورانه
			مهارت کاوشگری در کلاس
			تغییر رویکردهای تدریس از سنتی به شیوه‌های نوین
	مهارت‌های ارتباطی و تعاملی	مهارت‌های ارتباطی و تعاملی	توجه به رشد استعدادها و قابلیت‌های درونی فراگیران
			توجه به مشوق‌های انگیزشی برای فراهم‌ساختن کلاس درس پویا و فعال
			انگیزه بخشی به فراگیران
	مدیریت آموزشی	مدیریت آموزشی	ارتباط مطلوب با آن‌ها
			روابط اخلاقی و انسانی مناسب با فراگیران
			آشنایی با اصول مدیریت آموزشی
			توجه به مهارت‌های فنی، انسانی و ادراکی

ازجمله ویژگی دیگر موردنیاز جهت ورود داوطلبان به حرفه معلمی، مهارت نومعلمان است. در این راستا، سه مهارت از سوی صاحب‌نظران مورد شناسایی قرار گرفته است که عبارت‌اند از مهارت ارائه درس، مهارت اقدام‌پژوهی و مهارت‌های روابط انسانی. در زیر به توصیف هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

مهارت ارائه درس: یکی از مهارت‌های موردنیاز نومعلمان برای معلمی، مهارت ارائه درس است. به‌عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۲ به تخصیص و استفاده بهینه از زمان در راستای ارائه اثربخش محتوای مورد تدریس اشاره داشت. مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۱ و شماره ۶ سهم آشنایی و بهره‌گیری از ابزارهای فناورانه را در مهارت ارائه درس پررنگ‌تر می‌دانستند. به‌عنوان نمونه مصاحبه‌شونده شماره ۶ اعتقاد داشت:

مهارت‌های موردنیاز معلمی در هزاره سوم را می‌توان شامل مهارت‌های فناورانه (سواد رسانه‌ای)، دانست. دنیای فناوری به‌طور مداوم در تغییر و تحول است و این رشد شتابان فناوری، نومعلمان را ملزم می‌سازد که به‌عنوان نیروی جوان واردشونده به آموزش و پرورش، از این فناوری‌ها و نحوه بهره‌گیری از آن‌ها آگاه باشند.

به‌زعم مصاحبه‌شونده شماره ۳، فناوری‌ها همیشه یکی از چالش‌های معلمان بوده است و از نسل جدید معلمان انتظار می‌رود که این چالش را برطرف سازند و به‌طور مداوم در تلاش برای به‌روز نمودن مهارت‌های خود در زمینه فناوری‌های نوظهور باشند.

همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۵ بیان نمود:

نومعلمان باید بتواند مهارت کار با ابزارهای موردنیاز تدریس خصوصاً در دوره ابتدایی را در خود پرورش دهند برای مثال در درس علوم لازم است معلم کار با ابزارهای مختلف را یاد بگیرد این نیاز حتی در دروس دیگر مانند درس ریاضی قرآن و بسیاری از درس‌های دیگر هم حس می‌شود.

مهارت اقدام پژوهشی: مهارت اقدام پژوهی، یکی دیگر از مهارت‌های موردنیاز نومعلمان جهت ورود به حرفه معلمی از سوی صاحب‌نظران مورد شناسایی قرار گرفته است. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۵ بیان نمود:

یکی از خصوصیات نظام‌های آموزش و پرورش نوین، برخورداری از معلمان فکور و اقدام مبتنی بر عمل فکورانه است. این رویکرد در دانشگاه فرهنگیان در قالب دروس کارورزی برای نومعلمان دنبال می‌گردد و هدف این رویکرد آن است که نومعلمان در حین تدریس به پژوهشگری هم توجه داشته باشند و به عبارتی تدریس بر اساس پژوهش پایه‌ریزی گردد.

در اظهارنظری مشابه، مصاحبه‌شونده شماره ۹، به اقدام پژوهی و مهارت کاوشگری در کلاس درس توجه داشته است و این مهارت را ارزش‌والایی برای نومعلمان دانسته است.

مهارت‌های روابط انسانی: یکی دیگر از مهارت‌های موردنیاز جهت ورود به حرفه معلمی، مهارت‌های روابط انسانی است. در این زمینه مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۱ و ۶ به مهارت‌های ارتباطی و تعاملی توجه داشته‌اند. به نظر آن‌ها، نحوه ارتباط معلم با دانش‌آموزان در کلاس درس از اهمیت اساسی برخوردار است. مهارت برقراری روابط دوستانه با دانش‌آموزان و حل مسائل و مشکلات تحصیلی و تا حد امکان شخصی آن‌ها نیازمند مهارت خاصی است که نومعلمان باید به آن تجهیز گردند.

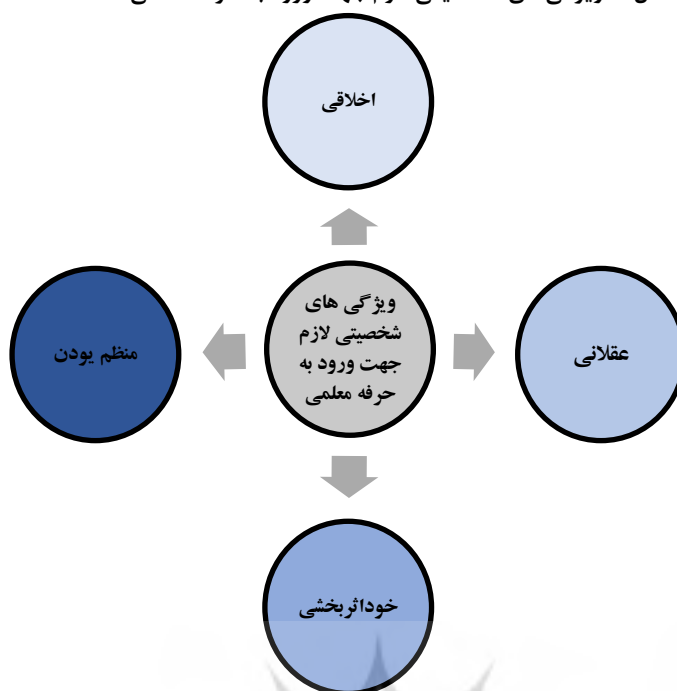
به‌زعم مصاحبه‌شونده شماره ۴، مهارت‌های انگیزشی و روان‌شناختی به‌عنوان یکی از مهارت‌های روابط انسانی موردتوجه است. به نظر وی، نومعلمان لازم است با اصول روان‌شناسی و انگیزشی آشنا شده و از این مهارت‌ها در انگیزه بخشی فراگیران و نحوه ارتباط مطلوب با آن‌ها بهره گیرند.

همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۳، به لزوم آشنایی نومعلمان با اصول مدیریت آموزشی اشاره داشته و از آن به‌عنوان مهارت اساسی و پیش‌نیاز در ارائه تدریس اثربخش یاد نموده است.

دانش آموختگان دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان و مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) جهت ورود به حرفه معلمی باید از چه ویژگی‌های شخصیتی برخوردار باشند؟

پس از پیاده‌سازی متن ۱۰ مصاحبه، جملات معنی‌دار در تک‌تک مصاحبه‌ها مشخص گردید و ۴۹ گزاره یا کد استخراج شد. پس از انجام تحلیل محتوا بر روی گزاره‌های به‌دست‌آمده، در مرحله دوم ۳۳ و در مرحله سوم ۲۰ گزاره حاصل شد و براین‌اساس، هفده خرده مقوله و ۴ مقوله و محور اصلی به‌عنوان ویژگی‌های شخصیتی موردنیاز برای ورود به حرفه معلمی شناسایی گردید. در ادامه، مقوله‌های استخراج‌شده ارائه شده است (شکل ۴ و جدول ۶).

شکل ۴. ویژگی‌های شخصیتی لازم جهت ورود به حرفه معلمی



جدول ۶. ویژگی‌های شخصیتی لازم جهت ورود به حرفه معلمی

ردیف	مقوله	خرده مقوله	نمونه‌ای از کدها
۱	اخلاقی	رازدار	درون‌گر بودن محفوظ نگه داشتن اسرار دانش‌آموزان توجه به اصل امانت‌داری
		تعادل روحی و عاطفی	دارای سلامت روان آشنایی با روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان
		متعهد	پایبندی به وظایف خود توجه به اصول فنی و اخلاقی تدریس
		متواضع	اشتیاق به ارزیابی درست از خود و شناخت محدودیت توانایی تنظیم عواطف
		مسئولیت‌پذیر	توجه به تمام خواسته‌های فراگیران و تلاش در جهت برآورده ساختن آن‌ها توجه به استعدادها و قابلیت‌های هر یک از فراگیران
		دارای سعه‌صدر	برخورداری از صبر و خویشتن‌داری تعامل اصولی و توأم با احترام با فراگیران
۲	عقلانی	متفکر	تأمل و تفکر در مسائل آموزشی تمرکز و توجه به تربیت عقلانی تجزیه و تحلیل متفکرانه مسائل
		خلاق	توجه به اهمیت تعلیم و تربیت در توجه به تفکر خلاق استفاده از رویکرد حل مسئله در فرایند آموزش
		دارای روحیه پژوهشگری	همسویی نگرش معلمان با فرهنگ پژوهش استفاده از رویکرد پژوهش‌محور در فرایندهای آموزشی
۳	خودآثر بخشی	برخوردار از اعتماد به نفس بالا	باور داشتن به خود و عمل به اعتقادات تلاش برای کسب تجارب و مهارت‌های جدید

ردیف	مقوله	خرده مقوله	نمونه‌ای از کدها
		خودشناس	آگاهی از عرصه خود در کنار سایر عناصر و عرصه‌های برنامه درسی ملی توجه به توانمندی‌های فردی
۴	منظم بودن	نظم در کارها	داشتن برنامه درسی مناسب و رعایت جدول زمان‌بندی فرایند آموزش استفاده از طرح درس در فرایند تدریس
		داشتن ظاهری مرتب	حفظ آراستگی ظاهری و رعایت مناسبات و هنجارهای اخلاقی و اسلامی برخورداری از رفتارهای شخصی و منش‌های اخلاقی و روحی

ازجمله ویژگی موردنیاز جهت ورود داوطلبان به حرفه معلمی، ویژگی‌های شخصیتی نومعلمان است. در این راستا، به ویژگی‌های اخلاقی، عقلانی، خود اثربخشی و منظم بودن از سوی صاحب‌نظران اشاره شده است که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

اخلاقی: یکی از ویژگی‌های شخصیتی که توسط صاحب‌نظران مورد شناسایی قرار گرفته است ویژگی‌های اخلاقی است. به‌عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۱ اعتقاد داشت:

معلم حرفه‌ای از منظر شخصیتی معلمی است مسئولیت‌پذیر، متعهد و پایبند به وظایف خود، ایثارگر و فداکار، خوش‌اخلاق و خنده‌رو، صبور و شکیبا، برون‌گرا و اجتماعی، انتقادپذیر و... .

به باور مصاحبه‌شونده شماره ۶، نومعلمان لازم است مسئولیت‌پذیر، وظیفه مدار، دارای سلامت روان، تعادل روحی و عاطفی باشند.

همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۲ در این راستا اظهار داشت:

به نظر می‌رسد می‌بایست روح معلمی در وجود افراد خواستار ورود به حرفه معلمی ریشه کرده باشد، عشق به تعلیم و تربیت، عشق به کودکان و نوجوانان در وجود آن‌ها ریشه دوانده باشد. از مهارت‌های معلمی برخوردار باشند، صبور باشند، مشاورین خوبی باشند، با روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان به‌خوبی آشنا باشند، شیوه تعامل با اولیا را بدانند.

عقلانی: یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی لازم جهت ورود به حرفه معلمی، مهارت‌های عقلانی است. به‌زعم مصاحبه‌شونده شماره ۶، نومعلمان لازم است در خصوص مسائل متفکرانه بیندیشد و با استعداد بوده و به تجزیه و تحلیل موضوعات بپردازند.

مصاحبه‌شونده شماره ۵ بیان نمود:

نومعلمان باید بتوانند پژوهشگران خوبی باشند و به شکل خوبی با پژوهش در عمل و یا اقدام‌پژوهی آشنا شده باشند و بر آن مسلط باشند تا دانش‌آموزان دارای مشکل را به‌خوبی شناسایی نموده و در جهت حل مشکل آن‌ها گام بردارند.

خود اثربخشی: خود اثربخش بودن به‌عنوان مهارت لازم دیگر در راستای ویژگی‌های شخصیتی نومعلمان مورد شناسایی قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان نمود: نومعلمان لازم است دارای آگاهی فردی، و به قولی خودشناس بوده و فردی هم جز نگر باشد و هم کل نگر باشد.

به‌زعم مصاحبه‌شونده شماره ۱۰، نومعلمان لازم است از عزت‌نفس برخوردار بوده و این امر باید در حین تجربه کارورزی و تدریس کارورزی حاصل شود. به باور وی، احساس اعتماد به نفس موجب می‌شود که نومعلمان با شخصیتی پخته‌تر وارد کلاس درس شده و در تمامی ابعاد تدریس نظیر طراحی تدریس، ارائه درس و ارزشیابی و روابط انسانی موفق‌تر عمل نمایند.

منظم بودن: منظم بودن به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی دیگر از سوی صاحب‌نظران مورد شناسایی قرار گرفته است.

به نظر مصاحبه‌شونده شماره ۷، آراسته بودن به‌عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی مورد توجه است و این برای نومعلمان از اهمیت بیشتری برخوردار است.

مصاحبه‌شونده شماره ۳ در این زمینه بیان نمود:

تدریس فرایندی منظم است و از سه مرحله منظم پیش از تدریس، حین تدریس و بعد از تدریس پیروی می‌نماید. در نتیجه، نومعلمان نیز از این نظم باید برخوردار بوده و در فرایند یاددهی یادگیری به‌طور منظم عمل نمایند.

دانش‌آموختگان دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان از چه میزانی از دانش، نگرش، مهارت و ویژگی‌های شخصیتی لازم جهت ورود به حرفه معلمی برخوردارند؟

به‌منظور بررسی این سؤال، از آزمون t تک نمونه برای مقایسه میانگین نمره حیطه ویژگی‌های شخصیتی با معیار فرضی تعیین شده برای برخورداری از مطلوبیت در حیطه موردنظر استفاده گردیده است.

جدول ۷. آزمون مقایسه میانگین نمره حیطه نگرش، دانش، مهارت و ویژگی‌های شخصیتی با معیار فرضی تعیین شده (t تک نمونه)

شاخص آماری	میانگین متغیر	انحراف استاندارد	میانگین فرضی	درجه آزادی	مقدار t	Sig	متغیر
نگرش	۳/۵۷	۱/۱۶	۳	۹۹	۴/۸۹	۰/۰۰۱	
دانش	۳/۶۶	۱/۲۰	۳	۹۹	۵/۴۸	۰/۰۰۱	
مهارت	۳/۵۴	۱/۱۵	۳	۹۹	۴/۶۶	۰/۰۰۱	
ویژگی‌های شخصیتی	۳/۴۴	۱/۲۰	۳	۹۹	۳/۶۹	۰/۰۰۱	

بر اساس جدول ۷ در حیطه دانش، مقدار t مشاهده‌شده بزرگ‌تر از مقدار t بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد و با درجه آزادی ۹۹ است. بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که دانش‌آموختگان دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان بیشتر از معیار تعیین شده، از دانش، نگرش، مهارت و ویژگی‌های شخصیتی مطلوب در راستای ورود به حرفه معلمی برخوردارند.

مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) از چه میزانی از دانش، نگرش، مهارت و ویژگی‌های شخصیتی لازم جهت ورود به حرفه معلمی برخوردارند؟

به‌منظور بررسی این سؤال، از آزمون t تک نمونه برای مقایسه میانگین نمره حیطه ویژگی‌های شخصیتی با معیار فرضی تعیین شده برای برخورداری از مطلوبیت در حیطه موردنظر استفاده گردیده است.

جدول ۸. آزمون مقایسه میانگین نمره حیطه نگرش، دانش، مهارت و ویژگی‌های شخصیتی با معیار فرضی تعیین شده (t تک نمونه)

شاخص آماری	میانگین متغیر	انحراف استاندارد	میانگین فرضی	درجه آزادی	مقدار t	Sig	متغیر
نگرش	۲/۵۸	۰/۹۸	۳	۹۹	-۴/۱۹	۰/۰۰۱	
دانش	۲/۶۱	۱/۰۶	۳	۹۹	-۳/۵۸	۰/۰۰۱	
مهارت	۲/۵۱	۰/۹۱	۳	۹۹	-۵/۳۴	۰/۰۰۱	
ویژگی‌های شخصیتی	۲/۶۶	۱/۰۳	۳	۹۹	-۳/۲۱	۰/۰۰۱	

بر اساس جدول ۸ در حیطه‌های نگرش، دانش، مهارت و ویژگی‌های شخصیتی، مقدار t مشاهده‌شده کمتر از مقدار t بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد و با درجه آزادی ۹۹ است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) کمتر از معیار تعیین شده، از نگرش، دانش، مهارت و ویژگی‌های شخصیتی لازم در راستای ورود به حرفه معلمی برخوردارند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، با هدف تبیین و مقایسه مؤلفه‌های صلاحیت و اثربخشی حرفه‌ای دانش‌آموختگان دوره‌های کارشناسی

پیوسته دانشگاه فرهنگیان با سایر ورودی‌های وزارت آموزش و پرورش به‌غیر از ماده ۲۸ انجام پذیرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، دانش موردنیاز نومعلم برای حرفه معلمی، شامل دانش محتوایی، دانش عمومی و دانش تدریس است. ازجمله ویژگی‌های نگرشی موردنیاز جهت ورود به حرفه معلمی، فراگیرمحوری، ارزشمندی ذاتی حرفه تدریس، باور به رسالت خطیر حرفه معلمی بنا بر اهمیت آموزش و پرورش در رشد جامعه، و برخورداری از باورهای شخصی مطلوب در تدریس است. مهارت موردنیاز نومعلم جهت ورود به حرفه معلمی، مهارت ارائه درس، مهارت اقدام‌پژوهی، و مهارت‌های روابط انسانی بوده و ویژگی‌های شخصیتی که باید نومعلم از آن برخوردار باشند دربرگیرنده خصوصیات اخلاقی، عقلانی، خود اثربخشی، و منظم بودن است. نتایج حاصل شده از شاخص‌ها در هر عنصر نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد این عناصر دانشی، نگرشی، مهارتی و شخصیتی از یکدیگر جدا نبوده به‌عنوان یک کل منسجم، روابط بین آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است؛ بنابراین سعی شده است باتکیه بر این ارتباط بین عناصر، به تبیین هر یک از آن‌ها پرداخته شود تا انسجام در نتیجه‌گیری کلی از موضوع حفظ گردد.

در محور دانش، مقوله‌هایی که تحت عنوان ویژگی‌های دانشی، داوطلبان ورود به حرفه معلمی لازم است آن‌ها را دارا باشند، سبب می‌شود که در تدریس، تفاوت‌های فردی فراگیران را موردتوجه قرار داده و متناسب با توانایی‌ها و استعدادهای هر فرد، آموزش‌های لازم را در سطوح تجزیه و تحلیل، حل مسئله و مهارت‌های استدلالی به دانش‌آموزان ارائه نمایند. برخورداری از این ویژگی‌ها در معلم، فراگیر را در یک فضای جذاب تجربه‌پذیری وارد می‌کند، و فضا را برای نگرستن متفاوت به مسئله و یافتن راه‌حلی نو و خاص آماده می‌نماید. معلم برخورداری از ویژگی‌های دانشی ذکرشده، بیشتر از راهبردهای انگیزش درونی نظیر میل به یادگیری، همکاری با دیگران، کنجکاوی و میل به تحقیق، و انگیزه توانمند شدن استفاده می‌کنند. در ارزشیابی نیز تکالیفی که برای فراگیران مطرح می‌گردد متناسب با رشد سنی و شناختی دانش‌آموزان و سطح توانایی فردی آن‌ها است (Guey et al., 2010).

در محور نگرش می‌توان گفت: نگرش‌ها، عامل مهمی در شروع هر فعالیتی بوده و پیش‌نیاز اساسی در انجام امور است. نگرش مثبت معلم به فرایند یاددهی - یادگیری، به ارتقای اثربخشی وی می‌انجامد و این امر سبب می‌شود که از فرایندهای شناختی خود به‌صورت مناسب استفاده نماید. همچنین نگرش معلم، در طولانی‌مدت به‌عنوان جزئی از شخصیت وی می‌گردد و در کیفیت تدریس وی اثرگذار است؛ بنابراین در فرایند گزینش معلم، شناخت این نگرش‌ها ضروری و حیاتی می‌نماید. شناخت عواطف شخصی، خودآگاهی، مدیریت هیجانات، واکنش‌های هیجانی و احساس متعادل و منطقی و الگوسازی مناسب برای دانش‌آموزان ازجمله نیازهای دیگری است که جامعه معلم باید از آن برخوردار باشند. برخورداری از ویژگی‌های فوق به معلم به‌ویژه معلم ابتدایی کمک می‌کند تا در موقعیت مختلف آموزشی و در واکنش به رفتارهای فراگیر و موقعیت‌هایی که در آن قرار می‌گیرند واکنش‌های مناسب‌تری انجام دهند. معلم باید نقش مهمی را که ارزش‌ها، علائق و احساسات عمیق شخصی در ایجاد رویکردهای تربیت فکری ایفا می‌کنند، آن‌ها را دریابند. در محور نگرش و در راستای افزایش قدرت تحلیل در معلم، اهتمام به انجام پروژه‌های تحقیقاتی و پژوهش‌محوری از اصول اساسی است. باتکیه بر ظرفیت پژوهش، معلم رویکرد حل مسئله را در فرایند یاددهی - یادگیری بکار بسته و از این مسیر موجبات توسعه آموزش را فراهم می‌سازند (Mertler, 2022).

یکی از عواملی که بر چگونگی دستیابی به اهداف آموزشی تأثیر می‌گذارد مهارت‌های ارتباطی معلم است. مهارت‌های ارتباطی به‌منزله آن دسته از مهارت‌هایی هستند که افراد در طی آن افکار و احساسات خود را از راه مبادله کلامی و غیرکلامی به یکدیگر مبادله می‌نمایند. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد مهارت‌های ارتباطی معلم نقش مؤثری در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز دارد. معلم با ارتباط مطلوب خود با دانش‌آموزان از استرس و فشارهای ناشی از کلاس درس می‌کاهد، این موضوع سبب اعتمادبه‌نفس دانش‌آموز شده و بر خلاقیت و ابتکار آن‌ها می‌افزاید. Hedman و همکاران (2013) در پژوهش خود نشان دادند که مهارت‌های ارتباطی، سازگاری و ارتباطات اجتماعی معلم را افزایش داده و باعث بالارفتن، میزان انگیزش دانش‌آموزان به تحصیل می‌شود.

یکی دیگر از محورهای موردنظر شخصیت است: صفات شخصیت اولین راهنمای تشخیص وضعیت شناختی و عاطفی افراد هستند که بر نقش‌های عاطفی، اجتماعی و رفتارهای بین فردی یا شغلی افراد تأثیر می‌گذارند. ویژگی‌های شخصیتی معلم بر عوامل بسیاری تأثیرگذارند. یکی از این عوامل، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. نتایج تحقیقات Schultz (2005) نیز نشان می‌دهند که بین ویژگی‌های شخصیتی و انگیزش پیشرفت تحصیلی افراد رابطه وجود دارد (رفیعیان، ۱۳۹۵). آمیختن عناصر شخصیتی و ذهنی در آموزش بسیار سودمند است. آموزش در چارچوبی مستقل، منطقی و عینی، عمل یادگیری را بسان تلاشی جدی درمی‌آورد. بر اساس نظر Bandura (2008)، ویژگی‌های شخصیتی معلمان چون خودپنداره و کارآمدی جمعی معلمان یکی از دارایی‌های مهم مدرسه از دیدگاه سازمانی است. به‌زعم وی احساس کارآمدی معلم، قضاوت‌های معلم از توانایی‌ها و قابلیت‌هایش برای دستیابی به پیامدهای مطلوب در خصوص یادگیری و درگیر کردن دانش‌آموزان در فعالیت‌های تحصیلی است. باورهای یک معلم به توانمندی‌های خود می‌تواند برای اثرگذاری کاری او مفید باشد، به عبارت دیگر، خودکارآمدی تدریس معلم به عنوان باورهایی از ظرفیت اثرگذاری بر عملکرد دانش‌آموزان توصیف می‌شود. باورهای معلمان نسبت به توانایی‌هایشان یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های اثربخشی آموزشی محسوب می‌شود؛ بنابراین کارآمدی معلم بیانگر باورهای یک معلم درباره توانایی‌هایش در سازمان دادن و به‌اجرا گذاشتن اعمال ضروری و لازم، برای ارائه یک تدریس موفق در یک بافت ویژه و ظرفیت اثرگذاری وی بر عملکرد دانش‌آموزان است. بر اساس نتایج پژوهش در بخش کمی، دانش‌آموختگان دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان از دانش، نگرش و مهارت مطلوب‌تری برخوردار خواهند شد و مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) از این حیث در مرتبه پایین‌تری خواهند بود. این بخش از یافته‌های با پژوهش، آقاخانی و همکاران (۱۳۹۹) ناهم‌سو است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که معلمی کردن نومعلمان وارد شده با شیوه‌های متفاوت به مدارس ابتدایی، فاقد تفاوت معنی‌دار بوده است؛ یعنی نومعلمانی که دوره چهارساله یا یک‌ساله تربیت معلم را سپری کرده‌اند همانند معلمانی معلمی می‌کنند که دوره‌های رسمی تربیت معلم را سپری نکرده‌اند.

در تبیین بخش کمی این بخش از نتایج پژوهش می‌توان بیان داشت که در دانش‌آموختگان دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان به نظر می‌رسد به واسطه اینکه مدت زمان طولانی‌تری در دانشگاه حضور داشته‌اند، ادراک و برداشت مناسبی از زمینه یادگیری و دانشگاهی خود کسب نموده‌اند و رویکرد آن‌ها به یادگیری به تبع این امر، رویکرد عمیق‌تری خواهد بود و با نتیجه یادگیری مطلوب‌تر و باکیفیت‌تری همراه خواهد بود. در مقابل، مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) به واسطه زمان کوتاه آموزش در دانشگاه فرهنگیان، از درک و برداشت کافی و مطلوب از زمینه دانشگاهی و یادگیری برخوردار نشده و رویکرد سطحی به یادگیری خواهند داشت که در نتیجه باکیفیت پایین یادگیری همراه خواهد بود.

موضوع دیگری که می‌تواند در تبیین تفاوت بین دو گروه دانش‌آموختگان دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان و مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) در حیطه‌های دانش، نگرش، مهارت و ویژگی‌های شخصیت دارای تأثیر باشد مربوط به وسعت برنامه درسی می‌شود. وسعت به میزان شمول محتوا برمی‌گردد و به ایده‌های اساسی برای مطالعه و نیز ارائه محتوا از زوایای مختلف توجه دارد. به نظر می‌رسد که برنامه درسی اجرا شده برای مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) از وسعت لازم برخوردار نیست و به پوشش مناسب محتوا از جنبه‌های مختلف به مانند حیطه‌های دانش، نگرش، مهارت و ویژگی‌های شخصیت نمی‌پردازد. این وسعت در دوره‌های ارائه شده برای دانش‌آموختگان دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان به واسطه زمان بیشتر دوره و فرصت بیشتر برای ارائه حجم بیشتر محتوا، امکان بروز و نمود بیشتری دارد.

تعداد برنامه درسی نیز در شکل‌گیری تفاوت بین دو گروه می‌تواند دارای نقش باشد. در تعادل برنامه درسی، تأکید بر نیازهای آموزشی فراگیران و پوشش آن‌ها در مدت زمان معین است. به نظر می‌رسد برنامه درسی ارائه شده برای مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) از تعادل لازم برخوردار نباشد و

آموزش‌های ارائه شده در راستای نیازهای واقعی فراگیران نباشد. در این دوره‌های کوتاه‌مدتی که برای این مهارت‌آموزان در نظر گرفته می‌شود لازم است تعادلی مناسب بین آنچه یاد می‌گیرند و نیازهای آنان برای ورود به حرفه معلمی برقرار باشد. در این دوره‌ها باید با ارائه تجربیات یادگیری متنوع به آموزش تمام حیطه‌های موردنیاز برای معلمی نظیر دانش، نگرش، مهارت و شخصیت در مهارت‌آموزان اقدام نمود. در نتیجه فقدان تعادل در این دوره‌ها، مهارت‌آموزان سایر ورودی‌ها (آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان حق‌التدریس) از دانش، نگرش، مهارت و ویژگی‌های شخصیتی مطلوبی برای ورود به حرفه معلمی برخوردار نیستند و نسبت به دانش‌آموختگان دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان در مرتبه پایین‌تری قرار دارند.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که در زمینه شاخص‌های موردنیاز جهت ورود به حرفه معلمی، لازم است، نومعلمان از هر چهارعنصر بهره‌مند بوده و تعادل در این امر برقرار باشد. براین‌اساس پیشنهاد می‌شود سیاست‌ها و ضوابطی برای برنامه‌های آماده‌سازی نومعلمان در ویژگی‌های شناسایی‌شده در تحقیق حاضر تدوین شود تا بر اساس آن، داوطلبان شغل معلمی ضمن احراز شاخصه‌های یادشده، جذب نظام آموزش و پرورش شوند. همچنین بازنگری و اتخاذ تصمیمات مناسب در سیاست‌های آماده‌سازی و استخدام معلمان بایستی موردتوجه تصمیم‌گیران نظام آموزشی قرار گیرد.

مشارکت نویسندگان

میزان مشارکت نویسندگان در نگارش مقاله به‌طور مختصر شرح داده شود (به‌صورت درصد و نیز وظایف انجام شده در مقاله).

تشکر و قدردانی

۱- مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی کشوری مصوب دانشگاه فرهنگیان به شماره قرارداد ۵۰۰۰/۵۹۹۲/۱۲۰ و تاریخ ۱۳/۶/۱۴۰۱ و با موضوع «مقایسه اثربخشی حرفه‌ای دانش‌آموختگان دوره‌های کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان با سایر ورودی‌های وزارت آموزش و پرورش به‌غیراز ماده ۲۸ به مبلغ ۳۵۰۰۰۰۰۰۰ است.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.»

منابع

- آقاخانی، زهره، موسی پور، نعمت‌الله، و نجفی، یوسف. (۱۳۹۹). مقایسه «معلمی‌کردن» نومعلمان مدارس ابتدایی: آیا نوع دانشگاه محل تحصیل مهم است؟ *مطالعات برنامه درسی*، ۱۵ (۵۶)، ۴۱-۶۴.
- الما سی، حجت اله، زارعی زوارکی، اسماعیل، دلاور، علی، و نیلی، محمدرضا. (۱۳۹۶). ارزشیابی برنامه درسی کارورزی چهار در دانشگاه فرهنگیان براساس مدل ارزشیابی هدف محور تایلر. *پژوهش‌های آموزش و یادگیری*، ۵ (۱)، ۲۴-۲۹.
- فرزادینیا، فرزانه. (۱۳۹۱). بررسی نقش معلمان در رویکرد مربیگری مدیریت کارآمد مدارس. *مجموعه همایش ملی رسالت معلم در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴* (صص ۱-۱۵). دانشگاه فرهنگیان، مرکز تربیت معلم شهید رجایی، بابل.
- خروشی، پوران. (۱۳۹۵). چارچوب نظری آموزش کارورزی بر اساس رویکرد ساخت‌گرایی. *مجموعه مقالات دومین همایش ملی تربیت معلم* (صص ۴۱-۵۶).
- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۸). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات آموزش و پرورش.
- رفیعیان، ک. (۱۳۹۵). *بررسی رابطه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی، مؤلفه‌های انگیزشی (خودکارآمدی، ارزش درونی، اضطراب خودپنداره) و هوش با یکدیگر و با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر سال دوم دبیرستان شهر اهواز* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران].
- صفرنواده، مریم، موسی پور، نعمت‌الله، اظهري، محبوبه، و محمد شفیعی، عبدالسعید. (۱۳۹۸). تجربه زیسته دانشجو معلمان دانشگاه

فرهنگیان از برنامه جدید کارورزی تربیت معلم در ایران. *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۱۰ (۱۹)، ۱۴۹-۱۶۹.
شاه محمدی، نیره. (۱۳۹۲). ماهنامه رشد آموزش ابتدایی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

References

- Aghakhani, Z., Musapour, N., & Najafi, Y. (2019). Comparison of teaching new primary school teachers: Is the type of university important? *Journal of Curriculum Studies*, 15(56), 41-64. (In Persian)
- Almasi, H., Zarei Zawarki, I., Delaware, A., & Nili, M. (2016). Evaluation of internship curriculum 4 in Farhangian University based on Tyler's model. *Journal of Teaching Research*, 5(1), 1-24. (In Persian)
- Bandura, A. (2001). Social cognitive theory: An agentic perspective. *Annual Review of Psychology*, 52, 1-26. <https://doi.org/10.1146/annurev.psych.52.1.1>
- Farzadenia, F. (2013). Examining the role of teachers in the efficient management of schools. *Proceedings of the National Conference on Teacher's Mission in the Perspective of Iran 1404* (pp. 1-15). Farhangian University, Shahid Rajaei Teacher Training Center, Babol. (In Persian)
- Gall, M., Borg, W., & Gall, J. (2022). *Quantitative and qualitative research methods in educational sciences and psychology* (Vol. 2, A. R. Nasr et al., Trans.). Samit Publications. (Original work published 2003)
- Guey, C.-C., Cheng, Y.-Y., & Shibata, S. (2010). A triarchal instruction model: Integration of principles from Behaviorism, Cognitivism, and Humanism. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 105-118. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2010.03.013>
- Hedman, E., Ljótsson, B., Rück, C., Bergström, J., Andersson, G., Kaldo, V., & Lindefors, N. (2013). Effectiveness of Internet-based cognitive behaviour therapy for panic disorder in routine psychiatric care. *Acta Psychiatrica Scandinavica*, 128(6), 457-467. <https://doi.org/10.1111/acps.12079>
- Khuroshi, P. (2015). The theoretical framework of internship education based on the constructionist approach. *Proceedings of the Second National Teacher Education Conference* (pp. 41-56). (In Persian)
- Mertler, C. A. (2022). *Action research: Improving schools and empowering educators* (6th ed.). SAGE Publications.
- Ministry of Education. (2019). *Document of the fundamental transformation of education*. Education Publishing House. (In Persian)
- Rafiyani, K. (2016). *Investigating the relationship between self-directed learning strategies, motivational components (self-efficacy, intrinsic values, self-esteem anxiety) and intelligence with each other and with the academic performance of second-year male high school students in Ahvaz* [Master's thesis, Shahid Chamran University]. (In Persian)
- Safarnavadeh, M., Musapour, N., Azhari, M., & Mohammad Shafiei, A. (2018). The lived experience of student teachers of Farhangian University from the new teacher training internship program in Iran. *Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 10(19), 149-169. (In Persian)
- Salmileh, A. (2017). Development of ICT training models for teachers based on ICT CFT (ICT competency framework for teacher). *The 1st International Conference on Education, Science, Art and Technology* (pp. 22-23). Nigari Makassar University.
- Shah Mohammadi, N. (2013). *Elementary education development monthly*. Curriculum Research and Planning Organization. (In Persian)
- Spinoza, O., Fiegehen, L. E. G., Sandvoal, L., & McGinin, N. (2019). Graduates' satisfaction with Chilean basic education teacher training degree program. *Higher Education, Skills and Work-Based Learning*, 9(3), 321-335. <https://doi.org/10.1108/HESWBL-01-2019-0012>
- UNESCO. (2022). *Education for the future*. Regional meeting in Bangkok, Educational Research of the Ministry of Education.